

زمان بی‌زمان، شب‌های بی‌مرز

نگاهی به کتاب به وقت شب

نوشته لودمیلای پتروشفسکایا



مریم طباطبائیها

مترجم و منتقد

اساسا در ادبیات سده‌های هجده و نوزده و یا شاید هم قبل‌تر از آن، زن‌ها همیشه به عنوان دو گروه شخصیتی مشخص و در قالب‌هایی از پیش تعیین شده شناخته می‌شدند. گروه اول مادران و زنان وفادار به خانواده که نمایانگر فرشته‌هایی خانواده دوست بودند و اغلب سازگاری با زندگی و تحمل مشکلات از خصیصه‌های بارزشان بود و گروه دوم زنان فتنانه و اغواگری که از آنها به عنوان شیاطین متحرک نام برده می‌شد و معمولاً ن سوی سیاه زندگی زنانه را به تصویر می‌کشیدند. سال‌ها گذشت و تصویر دو سویه زنان در ادبیات تغییر کرد و زنان خاکستری هم به این الگو اضافه شدند. در ادبیات روسیه که مطمئناً جزو ادبیات بر قدرت و چالش برانگیز محسوب می‌شود، زنان هم کم‌کم از قالب سنتی و مادران محکوم به سایش و سکوت خارج شده‌و به بستر اجتماع وارد می‌شوند. شاید بشود از نمونه‌های بارز آن به‌رمان مادر نوشته ما کسیم گورکی پرداخت که در آن زنی در جریان انقلاب روسیه به یک فعال سیاسی تبدیل می‌شود و نقش مهمی را در مبارزات کارگری ایفا می‌کند. و بالا را در رمان دکتر ژبواگو که در میان آشفته‌گی‌های انقلاب روسیه نقش کلیدی را در داستان به عهده می‌گیرد. لودمیلای پتروشفسکایا یکی از برجسته‌ترین نویسندگان و نمایشانه نویسان روسی است که او نیز در کتاب به وقت شب از زندگی زنان گفته است. او به خاطر سبک خاص و نگاه انتقادی‌اش به جامعه در سال‌های اخیر، تبدیل به یکی از تأثیرگذارترین نویسندگان معاصر روسیه شده است. رمان به وقت شب، یکی از برجسته‌ترین آثار در ادبیات روسیه است که در سال ۱۹۹۲ نامزد جایزه من بوکر روسی شد. این رمان داستان آن‌زنی شاعر و البته مهجور مانده را روایت می‌کند که در شرایط دشوار و رو به زوال شوروی بعد از فروپاشی در منجلابی از گرفتاری‌ها و مصیبت‌ها دست و پا می‌زند تا خانواده‌اش را کنار هم نگه دارد. آن‌زنیست که با آغوش باز به سراغ دردها می‌رود و سعی می‌کند این خانواده رو به اضمحلال را قوام ببخشد. خانه آن‌ها سراسر تنش و ناآرامی ست. آن‌امیان سه نسل، نقطه محوریست. مادرش که زنی دچار نسیان است، دخترش آلونا که به واسطه دو ازدواج نافرجام صاحب دو فرزند است و دختر دیگری آشفته‌ای دارد و نوه هایش که شاید عزیزترین موجودات زندگی او محسوب می‌شوند. هسته اصلی داستان را شاید بشود به جرات عشق نامید. عشق آن‌آبه نواش نیما که او را برای ادامه مسیر همچنان ترغیب می‌کند، باعث می‌شود تا به واسطه این عشق گام‌هایی محکم‌تر به جلو بردارد. امید در زندگی آن‌ا تبدیل می‌شود به نمادی از تازش برای فردایی که نمی‌داند می‌آید و یا باید سال‌های سالها در انتظارش چشم بکشد. سبک داستان به وقت شب، شاید ترکیبی باشد از رئالیسم اجتماعی، روانشناختی و البته طنزی تلخ با نگاهی انتقادی به جامعه از هم گسیخته پساشوروی. پتروشفسکایا با نثری صریح و بی‌پرده، شخصیت‌هایی را خلق کرده است که درگیر معضلات اجتماعی و خانوادگی هستند. از آنجایی که داستان از دیدگاه زنی پریشان حال و شاعر با ذهنی مشوش روایت می‌شود که خاطراتش را به صریح‌ترین حالت ممکن بیان می‌کند، خواننده به راحتی می‌تواند با عمق احساسات و تفکرات شخصیت اصلی داستان و البته اعضای دیگر خانواده او، ارتباط برقرار کند.

پتروشفسکایا در این رمان سعی بر آن داشته تا از شخصیت‌های خلق کرده‌اش تقدس زدایی بکند و داستان را بدون اینکه قهرمان سازی بکند. و کسی را بر دیگری برتری ببخشد پیش ببرد. واقع گرایی نویسنده در این رمان این فرصت را به او داده است تا از نگاهی نقادانه به انسان‌ها بنگرد و بتواند آنها را در بستر معضلات و مشکلات حقیقی به چالش بکشد. روایت از دیدگاه اول

شخص تعریف می‌شود. روایت اول شخص یکی از شیوه‌های جذاب و تأثیرگذار در داستان نویسی محسوب می‌شود. اگرچه که به زعم من روایت اول شخص می‌تواند برخی از آفاق‌های دید را محدود سازد اما مصممیتی که در این نوع روایت وجود دارد در اشکال دیگر داستان گویی کمتر است.

خواننده با این سبک روایت می‌تواند به راحتی همذات پنداری کند و حس می‌کند که بخشی از ذهن و احساسات شخصیت‌هاست. از طرفی با روایت داستان از زبان اول شخص ماجراهای خارق‌العاده هم باورپذیرتر جلوه می‌کنند، چون به تعبیری راوی خود در آن صحنه شریک بوده است. جغرافیای داستان پتروشفسکایا، محیط‌های شهری روسیه است. تصویری از مسکو و دیگر شهرهای شوروی. نویسنده با مهارت خاص خود، فضای سرد و خشن جامعه شوروی پس‌انقلاب را خصوصاً برای زنان، با توصیف فضاهای سکرآور و رعب‌انگیز، شرح داده است. این جغرافیا نه تنها مکانهای فیزیکی مانند آپارتمانهای بسته، کوچک و شلوغ، خیابان‌های بی‌روح و مراکز خرید و فروش بی‌رونی را شامل می‌شود، بلکه فضاهای روانی و اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد، جایی که در آن شخصیت‌ها با فقر، تنهایی و ناامیدی دست و پنجه نرم می‌کنند. در واقع به زعم من این کتاب بازتابی بود از زندگی زنان در دوران گذار از شوروی به سوی روسیه مدرن و امروزی. جایی که زنان هم می‌کوشیدند تا بتوانند در میان این طوفان رو به جلو، قوی‌تر از قبل دوباره قد علم کنند.

۲۴ • ۰۲ • ۱۴۰۴

۱۶ ذی القعدة ۱۴۴۶ / ۱۴ / ۲۰۲۵

سال هشتم

شماره ۲۱۰۷

آرمان ملی - بیتا ناصر - مرجان محمدی مترجم و مدرس زبان انگلیسی که ترجمه آثار مریلین رابینسون (گیلیاد، خانه داری، لالی و خانه)، «دره میلر» از آنّا کوئیندلن، «همسر مسافر زمان» از آدری نیفنگرو...و رادر کارنامه دارد، رمان «استونر» را یکی از آثار برجسته قرن بیستم آمریکا می‌داند که به دلیل ماهیت درون‌گرایانه مضامینش در زمان انتشار، این در حالی بود که چند مختلف سیاسی دیده نشد. این در حالی بود که چند دهه بعد، استونر به یکی از پرفروش‌ترین رمان‌ها تبدیل شد. به گفته او: «ویلیامز داستان زندگی شخصی و حرفه‌ای مردی معمولی به نام ویلیام استونر را نوشته است، کسی که ناکامی‌های زندگی‌اش را که کم هم نیستند با سکوت و صبر می‌پذیرد و سادگی و صبر او گاهی خواننده را آزار می‌دهد و گاهی به تحسین وامی‌دارد.»

▶ ابتدا درباره‌ی موضوع‌ها، درونمایه و طرح داستانی رمان «استونر» نوشته‌ی جان اودارد ویلیامز توضیح دهید.
از فرصتی که به من داده‌اید سپاسگزارم. من به عنوان مترجم اثر، برداشت خودم را تا حدی که می‌دانم بازگو می‌کنم. من معتقدم خواننده و منتقدان ادبی بیشتر از من در این مورد حرف برای گفتن دارند. «استونر» یکی از آثار برجسته‌ی ادبیات قرن بیستم آمریکا به قلم جان ویلیامز است. ویلیامز داستان زندگی شخصی و حرفه‌ای مردی معمولی به نام ویلیام استونر را نوشته است. کسی که ناکامی‌های زندگی‌اش را که کم هم نیستند با سکوت و صبری می‌پذیرد و سادگی و صبر او گاهی خواننده را آزار می‌دهد و گاهی به تحسین وامی‌دارد. ویلیام استونر، مرد روستایی جوانی است که خانواده‌اش او را برای تحصیل در رشته‌ی کشاورزی به دانشگاه می‌فرستند اما او در نیمه‌ی تحصیل، کشاورزی را رها می‌کند چون عاشق ادبیات شده است و پس از به پایان رساندن تحصیلاتش در رشته‌ی ادبیات استاد دانشگاه می‌شود. ادبیات برای او پنجاهگای است که در برابر بی‌رحمی زندگی و سردی روابط انسانی به آن پناه می‌برد. تدریس و مطالعه برای او نجات‌دهنده است. رابطه‌ی استونر با همسرش، دخترش و بعضی از همکارانش سرد و پیچیده است و او را به انزوا می‌کشاند. زندگی و مرگ او در تنهایی است اما این تنهایی، تلخی مطلق نیست بلکه نوعی آرامش درونی و پذیرش، جاشنی آن شده است. در داستان، برخوردهایی میان استونر و برخی همکارانش رخ می‌دهد که نماد تقابل میان شرافت و قدرت طلبی و فساد در نظام‌های رسمی است. رمان استونر روایتی خطی و پردازشی ساده دارد. داستان از کودکی استونر آغاز می‌شود، رشد شخصی و حرفه‌ای او را دنبال می‌کند و تا مرگش ادامه می‌یابد. هیچ حادثه‌ی ناگهانی در کار نیست. حتی از ابتدای داستان می‌دانیم استونر می‌میرد اما باز هم با امید داستان را دنبال می‌کنیم. روایت آن قدر ظریف، عمیق و ساده بیان شده است که تأثیری عمیق بر خواننده می‌گذارد. داستان شروعی آرام دارد. بحران‌ها بیشتر روانی و احساسی هستند تا حوادث بیرونی. هیچ نقطه‌ی اوجی به معنای سنتی در رمان نیست. اوج‌ها در درون شخصیت است، نه در روایت و سرانجام مرگ استونر در سکوت و بدون تشریفات است، اما حس آرامشی در آن موج می‌زند.

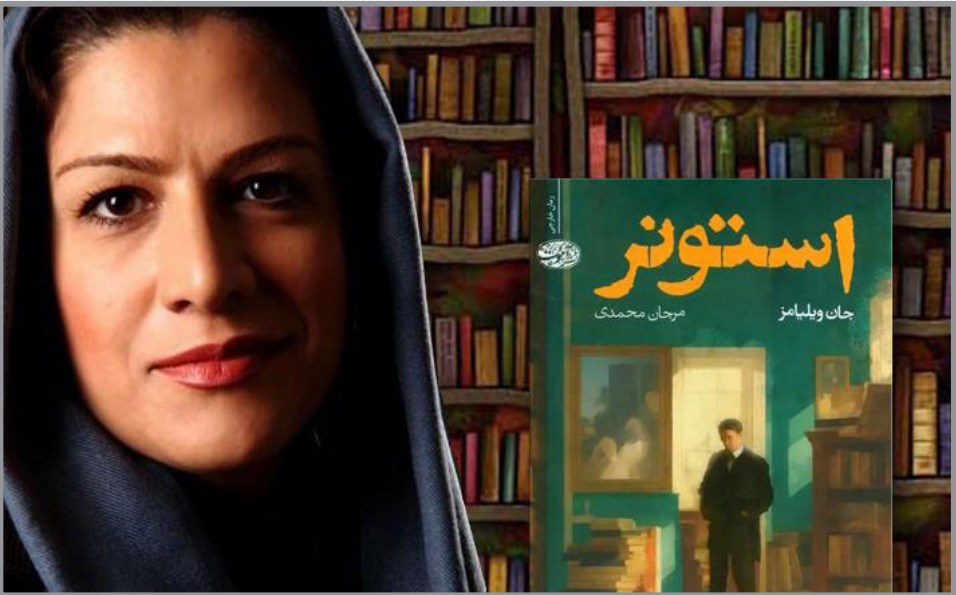
▶ رمان «استونر» در سال ۱۹۶۵ منتشر شد، فروش معقولی را طی کرد و در سال ۱۹۷۲ از چرخه‌ی چاپ خارج شد، اما نزدیک به پنج دهه پس از انتشار، کاملاً غیرمنتظره به کتابی پرفروش تبدیل شد. این آینده‌ای بود که سال‌ها قبل، در زمان انتشار این اثر و ویلیامز در نامه‌ای به نماینده‌اش پیش‌بینی کرده بود. از این منظر به نظر شما چرا این کتاب در زمان خودش آن‌طور که باید دیده نشد؟
ماجرای دیده نشدن رمان «استونر» در زمان انتشارش، خود به بخشی از افسون این اثر تبدیل شده است. دهه‌ی ۱۹۶۰ در آمریکا، دوران اعتراض‌های مدنی، جنبش‌های ضد جنگ و تغییرات اجتماعی گسترده بود. ادبیاتی که توجه مخاطب را جلب می‌کرد، اغلب سیاسی و پرهیاهو بود. اما «استونر» رمانی آرام و درون‌گرا بود درباره‌ی مردی معمولی،

armanmeli.ir

مرجان محمدی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

«استونر» بدون قهرمان جهانی شد

◀ رمانی درون‌گرایانه و تأمل برانگیز



اداری و روابط قدرت می‌ایستد. استونر شخصیتی است که شاید خسته‌کننده به نظر برسد، اما در درون خود، دنیایی از احساس، تنهایی، شکست، شوق و شرافت دارد. ویلیامز او را بدون بزرگ‌نمایی یا قهرمان‌سازی ترسیم می‌کند. تحول درونی او سیری تدریجی دارد و بدون حتی یک سخنرانی احساسی یا صحنه‌ای دراماتیک ما را به عمق شخصیتش می‌برد. بعضی شخصیت‌های داستان ناپایدار، افسرده، سرد و گاه بیرحم هستند. بعضی دیگر آرام، باهوش و مهربان‌اند. بعضی نشان می‌دهند که در دل زندگی خسته‌کننده، هنوز امکان عشق، درک و رهایی وجود دارد. شخصیت‌هایی در این داستان وجود دارند که با نفوذ و فرصت‌طلب هستند، مثلاً رئیس دانشگاهی که استونر در آن درس می‌دهد. او نماد ساختار قدرت اداری و فساد پنهان در دانشگاه است. او شخصیت منفی آشکاری ندارد، اما به طرزى بسیار طبیعی و واقع‌گرایانه نماینده‌ی ساختاری است که علیه انسان‌های صادق و ساکت عمل می‌کند. ویلیامز او را نه هیولا، بلکه انسانی معمولی با نیرویی مخرب به تصویر می‌کشد.

شخصیت‌های رمان استونر با اغراق یا شعارپردازى خلق نشده‌اند. آن‌ها انسان‌هایی معمولی با دردهایی عمیق هستند. نویسنده بدون این که داوری کند، شکست‌های خاموشی و کورسوهایی امید و اشتیاقی‌های مدفون‌شده‌ی آن‌ها را روایت می‌کند. همه‌ی شخصیت‌ها، چه اصلی و چه فرعی، در راستای آفریدن جهانی زنده و قابل لمس هستند. **▶ نویسنده در «استونر» از ارزش‌ها و هدف‌های ویلیام استونر (شخصیت اصلی داستان)، احساسات درونی و انسانی، چگونگی مواجهه‌ی او با شرایط و تأثیرات عمیق فهم هستی بر زندگی‌اش می‌گوید. از این حیث، انتخاب زبان و لحن کتاب را تا چه میزان در چگونگی بروز چنین مفاهیمی در ارتباط می‌بینید؟**

جان ویلیامز زبان و لحن را کاملاً در خدمت شخصیت استونر و درون‌مایه‌ی اثر قرار داده است. زبان رمان، ساده، موجز و بدون آرایه‌های ادبی است. این سادگی تصادفی نیست بلکه در راستای شخصیت و زندگی ویلیام استونر طراحی شده است. استونر مردی آرام و درون‌گراست. زبان هم بازنتاب همین «درون‌گرایی» است. او احساساتش را فریاد نمی‌زند، اما آن‌ها را تا عمق جان حس می‌کند. زبان داستان هم بی‌هیاهو، اما عمیق است. نویسنده بیشتر روایت می‌کند تا قضاوت. لحن روایت، نه احساساتی و نه سرد، بلکه بی‌طرف، متین و گاه حتی بسیار آرام است. این لحن باعث می‌شود خواننده خود را با احساسات او در دل صحنه‌ها کشف کند.

نه اینکه با جملات نویسنده به آن‌ها هدایت شود. زمان در این روایت مثل خود زندگی نامحسوس و پیوسته می‌گذرد، بدون آن که نشانه‌گذاری برجسته‌ای داشته باشد. فقط با یک جمله، سال‌ها می‌گذرند. زبان و لحن در رمان «استونر» بخشی از محتوای اثرند. جان ویلیامز با زبانی آرام ما را نه تنها به زندگی استونر، بلکه به حقیقت انسان نزدیک می‌کند.

هر جمله به جای اینکه ما را با خود بکشد، انسان را در خود متوقف می‌کند، تا فکر کند، تا ببیند، بفهمد و هم‌دردی کند. **▶ به نظر می‌آید «استونر» زندگی غم‌انگیز و بدی را پشت سر گذاشته است، در حالی‌که جان ویلیامز در این زمینه با مخاطبان‌ش اختلاف نظر دارد و در مصاحبه‌ای اشاره می‌کند که استونر زندگی بسیار خوبی داشته و دلیل آن را حس استونر نسبت به شغلش می‌داند. در این باره بگویید. حس شما از مواجهه با استونر چه بود؟**

بله او در مصاحبه‌ای گفته بود: «استونر زندگی خیلی خوبی داشته، چون چیزی را پیدا کرده بود که عاشقش بود یعنی ادبیات و در همان راه، با وقار و ثبات زندگی کرده بود.» این نشان می‌دهد که ویلیامز ارزش یک زندگی را نه بر پایه‌ی معیارهای ظاهری بلکه بر اساس وفاداری به درونی‌ترین ارزش‌های فردی می‌سنجد. و اما حس من پس از خواندن رمان... من هم مثل همه‌ی خواننده‌ها احساس می‌کردم استونر زندگی غم‌انگیزی داشته است. اما بعد از ترجمه آن احساس کردم این منم که بیشتر احساس غم می‌کنم ولی استونر چیزی را انتخاب کرده بود که دوست داشت و پایش ایستاد. برای او ادبیات از همه چیز مهم‌تر بود و دنیای ادبیات شور و شوقی در درون او ایجاد کرده بود که مسیر زندگی‌اش را تغییر داد. همه‌ی ما در زندگی شکست‌هایی را تجربه می‌کنیم اما آیا می‌توانیم بگوییم زندگی سراسر غم‌انگیزی داریم؟ اگر به هدفی که داریم برسیم خوشبختیم هر چند که در این مسیر رنج هم کشیده باشیم. استونر آرام آرام در طول زندگی‌اش به نوعی پیروزی درونی می‌رسد. سعی نمی‌کند با جریان روز جلو برود. همان است که هست. رنگ عوض نمی‌کند و برای خشنودی دیگران مسیرش را تغییر نمی‌دهد. ادای روشنفکری ندارد. ساده زندگی می‌کند و در آرامش می‌میرد. چیزی که خیلی از ما نمی‌توانیم انجام دهیم. پس شاید بتوان گفت به جای استونر بهتر است دلمان برای خودمان بسوزد!

▶ برخی «استونر» را رمانی دانشگاهی دسته‌بندی می‌کنند. نظر شما در این باره چیست؟

خب، محیط اصلی داستان دانشگاه است. تقریباً تمام زندگی حرفه‌ای ویلیام استونر در دانشگاه میسوری می‌گذرد. او ابتدا دانشجو است، سپس به عنوان استاد ادبیات استخدام می‌شود و تا پایان عمر در همان دانشگاه می‌ماند. محافظه‌کاری، رقابت، چاپلوسی و انتقام در محیط علمی، از مضامین رایجی هستند که در رمان «استونر» به شکلی بی‌صدا اما عمیق مطرح می‌شوند. همچنین این رمان اشاره به نقش ادبیات و آموزش دارد. استونر نه به خاطر شهرت یا درآمد، بلکه از روی عشق به ادبیات وارد حوزه‌ی دانشگاه می‌شود و با وجود شکست‌ها، تا آخر عمر به آن وفادار می‌ماند. جولین بارنز در یادداشتی که در تحسین این کتاب نوشته، اشاره می‌کند که جان ویلیامز با این که معتقد بود که کتابش نباید در دره دانشگاهی دسته‌بندی شود اما این رمانی دانشگاهی و از قضا رمان دانشگاهی بسیار خوبی است. اما من فکر می‌کنم این کتاب فراتر از یک رمان صرفاً دانشگاهی است. تمرکز اصلی آن تحلیل روان انسان، رنج‌های خاموش، تنهایی، شکست و معنا در زندگی است که این مفاهیم بسیار بزرگ‌تر از آن هستند که بخواهیم آن‌ها را فقط در محیط دانشگاه محدود کنیم. درست است که محیط غالب دانشگاه است اما زندگی استونر چیزی فراتر از دیوارهای دانشگاه است.

▶ خبری برای مخاطباتان دارید؟ (نگارش، چاپ، تجدید چاپ)

من در طول سالیان کاری یاد گرفته‌ام به این سوال با احتیاط و البته لبخند واکنش نشان دهم! سرگذشت کتاب «استونر» که بعد از پنجاه سال همه‌تازه به سراغش رفتند برای من هم عجیب بود چون وقتی با این کتاب آشنا شدم و آن را خواندم از خودم پرسیدم چطور ممکن است در ایران که هر کتابی به سرعت ترجمه می‌شود کسی این کتاب را ندیده و کار نکرده باشد؟ وقتی تصمیم به ترجمه آن گرفتم در محفلی از مترجمان (در تلگرام) اعلام کردم تا مثل گذشته ترجمه‌های موازی نداشته باشیم. هر چند که فکر می‌کردم اگر کسی می‌خواست ترجمه‌اش کند حتماً تا حالا این کار را کرده بود اما این‌طور نشد و باقی داستان... به هر حال خبر ترجمه‌ی کتاب بعدی ام را می‌گذارم تا سورپرایز باقی بماند!

◀ **«باغ نارنج» در مسیر انتشار**

مجموعه داستان‌های کوتاه برگزیده‌ی دوره‌های پنجم تا نهم دوسالانه‌ی داستان کوتاه نارنج به همت انتشارات ناد و همکاری موسسه‌ی فرهنگی هنری نارنج منتشر خواهد شد. محمد بادپر دبیر جایزه‌ی ادبی نارنج با اعلام این خبر افزود: عنوان این کتاب «باغ نارنج» و شامل ۳۴ داستان برگزیده‌ی اول تا سوم و شایسته‌های تقدیر دوره‌های پنجم تا نهم است. دبیر جایزه ادبی نارنج با یادآوری این‌که کار داوری و انتخاب این داستان‌ها در دوره‌های پنجم تا نهم بر عهده‌ی نویسندگان مطرحی چون: عباس عبدی، حسن محمودی، غلام حسین دهقان، فرشته احمدی، محمد حسینی، محمد کشاورز، امیرحسین خورشیدفر، ابراهیم دم‌شناس، شیوا مقانلو، داریوش احمدی، شهلا زرگی، عالیله عطایی، محمد طلوعی، آرش آذرپناه و آذردخت بهرامی بوده است؛ خاطرنشان کرد: مجوز این کتاب توسط انتشارات ناد اخذ شده است و در حال آماده‌سازی برای چاپ است. بادپر با اعلام این‌که پس از انتشار کتاب علاوه بر مراسم رونمایی برنامه‌های دیگری نیز برای معرفی این کتاب پیش‌بینی شده است؛ تأکید کرد: امیدواریم این کتاب بتواند نقش مهمی در معرفی داستان نویسان برگزیده‌ی این جایزه‌ادبی در بین علاقه‌مندان ادبیات داستانی داشته باشد. وی با اعلام این‌که اطلاعات مربوط به این دوسالانه علاوه بر صفحات مجازی در سایت این دوسالانه به آدرس: www.naaranj.com نیز منتشر می‌شود؛ گفت: هم چنین اسامال دهمین دوسالانه‌ی داستان کوتاه نارنج برگزار و اطلاعات مربوط

به آن نیز به‌زودی اعلام خواهد شد. در سال ۱۳۸۵ بود که هسته‌ی اولیه‌ی گروه ادبی فرهنگی هنری نارنج از سوی «احسان شاه طاهری» مربی کارگاه داستان باران جهرم تشکیل شد و از همان ابتدا با مشورت چهره‌های فعال فرهنگی هنری با رویکردی مستقل شروع به فعالیت کرد. این گروه در سال‌های ابتدایی شروع به کار خود تمرکز خود را صرفاً بر فعالیت‌های داستانی گذاشت اما با حضور چهره‌های فعال دیگر و البته گسترش همکاری‌ها، برگزاری سایر فعالیت‌های هنری ادبی فرهنگی را نیز در پیش گرفت. به گونه‌ای که تاکنون توانسته برنامه‌های شاخص بسیاری را در حوزه‌های مختلف فرهنگی هنری ادبی در شهرستان جهرم برگزار کند.



تازه‌های نشر

◀ **«سی‌ودو» در بازار کتاب**

انتشارات آپان جلد نخست رمان «سی‌ودو» را منتشر کرد. این رمان در دو جلد منتشر خواهد شد و جلد نخست آن به تازگی منتشر شده است. این رمان، آخرین رمان مجتبی هوشیار محبوب است. این کتاب را می‌توان تلفیقی از زمان و ژانر و رمان ادبی توصیف کرد که نویسنده در آن دست به تجربه‌هایی نو زده است. آغاز زمان چنین آغاز می‌شود که: «اگر این کتاب را صرفاً به این دلیل می‌خوانید که بفهمید قصه چیست، کل ماجرا این است: من کسی را که گمان می‌کرد پدرم است. کشتم. او حق خواهم و مرا خورده بود. باقی کتاب رنجوری من است و زبان من.» مجتبی هوشیار محبوب متولد سال ۱۳۶۶، داستان‌نویس ایرانی می‌باشد. او فارغ‌التحصیل کارشناسی زبان و ادبیات فارسی است. از هوشیار محبوب سه کتاب منتشر شده است: داستان بلندی با نام آقای مازنی و دلنگنی‌های پدرش (۱۳۹۰)، اثری پژوهشی –انتقادی با عنوان از زمان؛ جستارهایی پیرامون آثار هوشنگ گلشیری (۱۳۹۴) و رمان آن‌ها با شاعری که خیلی دوستش داشتند بد تا کردند (۱۳۹۵). رمان آقای مازنی و دل‌تنگنی‌های پدرش از سوی جایزه ادبی واو (رمان متفاوت)، رمان شایسته تحسین سال ۹۰ انتخاب شد. او در مقام ژورنالیست یادداشت‌ها، گزارش‌ها، مصاحبه‌ها

